

(به نام خدا)

کارگاه آموزشی مهارتی _ پژوهشی روش شناسی تاریخی

استاد: دکتر نعمت الله صفری فروشانی

جلسه اول، ۲ بهمن ۱۴۰۱

اعوذ بالله السميع العليم. بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين. و الصلاة والسلام على مولانا و سيدنا و نبينا محمد و آله اجمعين.

عرض ادب و خیر مقدم دارم خدمت همه شرکت کنندگان اعم از حضوری و مجازی. و تشکر فراوان از حضور گرم شما. و عرض تبریک دارم ایام مبارک رجبیه را که عمدتاً ایام رجب و شعبان، ایام سرور ما شیعیان هست. و به فال نیک می‌گیرم تقارن آغاز این کارگاه را با حلول ماه رجب که ماه ولایت هست.

و عرض تشکر دارم از همه دوستانی که در برگزاری این کارگاه سهم داشتند. مدرسه مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، جناب حاج آقای دکتر رفیعی، همچنین موسسه بیان، حاج آقای ملکی و دانشگاه مجازی المصطفی (ص).

ما بحث‌مان را با مفهوم شناسی آغاز می‌کنیم. در اینجا ما باید مفاهیم مرتبط با روش شناسی تاریخی را بررسی کنیم. قبل از هر چیز، اولین کلمه‌ای که مورد بررسی قرار خواهیم داد کلمه «کارگاه» است. منظور از کارگاه چیست؟ کارگاه با کلاس تفاوت دارد. کارگاه معمولاً بعد از آنکه دانش‌پژوه یک دوره آموزشی را طی می‌کند، به عنوان یک دوره تمرینی، برگزار می‌گردد. ماهیت کارگاه مهارتی هست، نه آموزشی، و نه پژوهشی. باید به این خصوصیت کارگاه توجه نمایم. ما در این کارگاه هم باید مهارت آموزی کنیم و هم باید یک سری مطالب پشتوانه‌ای را عرض کنیم. اگر بخواهم تعریف دقیقی از کارگاه داشته باشم، خوب است یک مثال بزنم: اکثر شما گواهینامه رانندگی دارید. اول می‌روید آموزش تئوری، و بعد در دوره عملی شرکت می‌کنید. خصوصیت کارگاه همین‌گونه است. اما استثناً ما در اینجا کارگاهمان معرفتی _ مهارتی است. یعنی یک سری مطالبی را باید من عرض کنم و یک سری تکالیف و تمارینی را باید شما انجام بدهید تا ما بتوانیم یک نتیجه مطلوب را از این کارگاه بگیریم.

در جلسات کارگاهی معمولاً آنچه گفته می‌شود این است که نسبت هشتاد به بیست هست. یعنی هشتاد درصد سهم دانش پژوهان، و بیست درصد سهم مدرس کارگاه است. اگر این نسبت رعایت شود این کارگاه می‌تواند مطلوب واقع شود. من در هر جلسه‌ای به شما تکلیف می‌دهم و شما هم این تکالیف را انجام خواهید داد.

اما فلسفه تشکیل این کارگاه: بنده بیست و دو سال است که به صورت متمرکز در رشته تاریخ هستم. یک طلبه‌ای بودم احساس مسئولیت کردم و رفتم در رشته تاریخ. طی این بیست و دو سال، چون از بیرون آمده بودم در این رشته، مرتباً برای من دغدغه فکری ایجاد می‌شد. و بعد به دنبال پاسخ آن سوالات بودم. یعنی اول یک مشکل بود، این مشکل تبدیل می‌شد به دغدغه، و بعد مسئله، و بعد منجر می‌شد به جستجو در مقام پاسخ. و الحمدلله پاسخ بسیاری از این دغدغه‌ها را توانستم پیدا کنم.

الان نیز می‌بینم مسیری را که من رفتم بسیاری از طلبه‌ها با آن درگیرند. و ممکن است برخی‌ها نتوانند سوالاتشان را حل کنند. و من آرزویم بود روزی یک چنین کارگاهی تشکیل شود و ما بتوانیم این دغدغه‌ها را حل کنیم. و در واقع این کارگاه خلاصه دغدغه‌مندی‌های بیست و دو سال مطالعات تاریخی بنده است. این دوره مطابق اعلام قبلی شانزده جلسه است. اما آنچه در ذهن من است چهار تا شانزده جلسه است. پس بنابراین این دوره، روش شناسی تاریخی یک است. و دوره‌های بعدی هم لزوماً در اینجا برگزار نخواهد گردید. اگر روحیه مطالبه‌گری در شما ایجاد کنم باید بگویم شما چهار دوره شانزده جلسه از من طلب‌کارید. و می‌خواهم همه مباحثی را که فکر می‌کنم مربوط به روش و روش شناسی است را در این دوره‌ها بیان کنم. بحث سند، منبع، بین‌رشته‌ای، میان رشته‌ای، چند رشته‌ای، تاثیر کلام و هر آنچه که می‌تواند مربوط باشد به بحث روش شناسی.

با جستجویی که من انجام دادم در اینترنت، چنین کارگاهی با این خصوصیت تاکنون برگزار نگردیده است. این کارگاه دارای خصوصیتی است که آن را از سایر کارگاه‌ها متمایز می‌کند. خصوصیت شرکت کنندگان که اکثراً دوستان مقطع دکتری در این جلسه حضور دارند. و همچنین در این جلسه از ملیت‌های مختلف در اینجا حضور دارند. و همچنین به لحاظ جنسیتی هم زنان و هم مردان در اینجا حضور دارند.

از نظر محتوا هم مطالبی گفته خواهد شد که شاید در سایر کارگاه‌ها بیان نشود. چرا؟ علتش آن است که این کارگاه بازگوکننده مطالعات پیشینیان نیست. کارگاه‌هایی که برگزار می‌شود معمولاً یا ترجمه‌ای است از کتاب‌های غربی، یا کتاب‌هایی که در رابطه با روش شناسی نوشته شده است و در کارگاه بازگو می‌شود و شما می‌توانید آن را در اینترنت بیابید. اما این کارگاه عمدتاً مبتنی بر تفکر است. یعنی چیزهایی که خود من با آن درگیر بودم و نوشتم. یعنی حل مسائل با توجه به ظرفیت‌های بومی بوده است. بنابراین اگر دیدید که من اصطلاح کمتر به کار می‌برم یا اسامی

شخصیت‌ها را کم به کار می‌برم، اینها دلیل بر علم نداشتن من نیست، بلکه که تعمد دارم. و قصد دارم بومی سازی کنم این مطالب را. به همین خاطر، این اسامی و اصطلاحات کمتر به کار برده خواهد شد. اما ممکن است برخی اوقات به جهت اینکه شما با این اسامی و اصطلاحات آشنا شوید برخی از اینها را بیان خواهم نمود.

نکته دیگر اینکه بنده ادعا ندارم به انتهای دانش رسیده باشم. و به همین خاطر خواهشمندم در این کارگاه اشتراک دانش داشته باشید. ممکن است به مباحثی برسیم که شما هم نظری داشته باشید.

همچنین مطالب این کارگاه دیگر در سایر کلاس‌های من تکرار نخواهد شد، چرا که من از تکرار بدم می‌آید. و به همین دلیل پیشنهاد می‌کنم این مباحث پیاده سازی شود و در سایت‌ها قرار داده شود.

نکته دیگر اینکه خواهشا دوستان تا مطلبی برایشان حل نشود نگذارند تا من از آن مطلب عبور کنم. در آینده با مباحثی روبرو خواهیم شد که یک مقداری سنگین است. باید نسبت به آن مباحث دقت شود و تا حل نشده ما پیش نرویم. البته منظور ما قدر متوسط شرکت کنندگان در این جلسه است که اکثرا مقطع کارشناسی ارشد و دکتری هستند. و نه دوستان کارشناسی که در این جلسه حضور دارند. برای این افراد کتاب‌هایی را معرفی خواهیم نمود تا در کنار این مباحث مطالعه داشته باشند.

از این نظر دوستان باید در مباحث شرکت فعال داشته باشند تا بحث‌ها پخته شود و در آینده دغدغه نداشته باشید. مثلا مباحثی همانند نسبت بین فقه و تاریخ، و یا بحث فقه و کلام. اینگونه مباحث، مباحث سنگینی است و نیازمند دقت بیشتری است و باید هضم شود.

اما یکی از مهم‌ترین کارکردهای این کارگاه این است که انسجام بخشی دارد نسبت به خانواده تاریخ. من یک دغدغه‌ای دارم از نظر اجرایی و عملیاتی که آن خانواده تاریخ است. خانواده تاریخ چیست؟ می‌گویند که ما دوستانی که در رشته تاریخ هستیم نسبت به علوم دیگر حوزوی مثل کلام، فقه، حدیث، رجال و ... ضعیف‌ترین رشته هستیم از لحاظ افراد، شخصیت‌ها، متون و منابع. و به خصوص از نظر منابع انسانی. و حتی نسبت به دیگر رشته‌های علوم انسانی، مثل علوم سیاسی، روانشناسی، اقتصاد و ... باز هم ضعیف هستیم. یک وقتی من در تلویزیون مثال می‌زدم بازگو کنم بد نیست. بحث نسبت بین تاریخ و کلام و حدیث در بحث امام حسین (ع) بود. من می‌گفتم که اینها مثل سه برادر هستند. باید هم‌افزایی کنند. باید یکدیگر را کمک کنند. ما نمی‌توانیم فقط به لحاظ تاریخی امام حسین (ع) را بررسی کنیم. حتما باید به کلام و روایات هم دقت کنیم. ما بدون کامل الزیارات نمی‌توانیم امام حسین (ع) را بررسی کنیم. هم‌چنان که بدون مقتل ابی مخنف هم نمی‌توانیم بررسی کنیم. اما در طول تاریخ دو برادر بزرگ‌تر (کلام و حدیث) حق برادر کوچک‌تر (تاریخ) را خوردند. الان این برادر کوچک‌تر در حال بزرگ شدن است. خدا نکند متوجه شود

برادران بزرگ‌تر حَقّش را خورده‌اند. دمار از روزگار برادران بزرگ‌تر در خواهد آورد. و این شوخی نیست. چند جای دیگر هم گفته‌ام. امان از وقتی که ازدهای خفته تاریخ بیدار شود. کما اینکه در غرب بیدار شد و مصیبت‌هایی به بار آورد. از این جهت است که می‌گویم طلب دغدغه‌مند باید به این مباحث روشی مسلط باشند تا اگر یک متن غربی خواندند و چند تا اصطلاح در آن دیدند، نگویند اینها دیگر چیست؟! باید با این مباحث آشنا باشند و بتوانند از ناحیه بومی از اینها استفاده کنند. و در مقابل اینها بایستند. الان کتاب مادلونگ یا مثلا شخصیتی مثل ایتان کلبرگ. اینها کلی شبهه تاریخی به ما وارد می‌کند، که ما باید با تاریخ و روش شناسی تاریخی آشنا باشیم که بتوانیم این شبهات را برطرف کنیم. یکی از کسانی که از راه تاریخ وارد شد و شبهات زیادی به اصول اساسی ما وارد کرد و مدتی ذهن علمای ما را مشغول کرد، آقای احمد الکاتب بود. او ادعا می‌کرد که از روش تاریخی استفاده می‌کند علیه مسلمات کلامی ما. من یک مقاله در مورد ایشان نوشتم. یک جلسه در یکی از کلاس‌ها صحبت کردم و نشان دادم که آقای احمد الکاتب به روش تاریخی آشنا نیست. ابتدائیات روش تاریخی را نمی‌دانست و همان نقل را تصور کرده بود روش تاریخی است. و با روش شناسی تاریخی ما بیشترین نقد را بر او وارد کردیم که به نظرم از بعضی از کارهای منتشر شده قوی‌تر بود.

بحث ما خانواده تاریخ بود. آن چیزی که خانواده تاریخ را به هم پیوند می‌دهد و باعث می‌شود هم‌دیگر را بشناسند و هم افزایی کنند، و باعث می‌شود گفتمان مشترک داشته باشند روش و بحث کارگاه‌های روشی است، تا ما بدانیم روش ما چیست. از یکی از اساتید تاریخ که سنتی بود سوال کردند که روش شما در تاریخ نگاری چیست؟ ایشان انسان بزرگواری است. در جواب گفته بود: روش چیست؟! در حقیقت ایشان هم روش دارد اما نمی‌داند روش چیست. و بعد در ادامه گفته بود: به برادرمان آقای صفری بگوئید روش من را در بیاورد.

ما محتوا داریم. مثلا سالیان اول انقلاب ما سیب زمینی صادر می‌کردیم. اما همراه با خاک. ویترونی نمایش نمی‌دادیم. الان ممکن است فردی چند اصطلاح بگوید و ادعا کند که او روش بلد است و شما بلد نیستید. و اگر مناظره‌ای هم باشد سایرین تصور کنند که او بیروز است، با به کار بردن چند اصطلاح. یکی از فوایدی که من رفتم دانشگاه این بود که اینها را متوجه شدم. ما هم اگر این مباحث روشی را بلد باشیم با مشکل مواجه نمی‌شویم. مثلا مادلوگ، اگر ما بخواهیم به شبهات مادلوگ جواب بدهیم نمی‌شود به قرآن و روایات و کلام استناد کنیم. چون ما تفاهم گفتمانی با هم نداریم.

یک آقایی می‌خواست با یک کمونیست مناظره کند. از او می‌پرسید من در تعجبم که چطور شما به وجود خداوند شک داری، در حالی که در قرآن آمده است: اُفَى اللهُ شَكُّ؟ خوب این کمونیست مبانی ما را قبول ندارد. خوب من

دیدم برخی از آقایان را نقد می‌کنند. مثلاً با بحار می‌خواهند مدرّسی را نقد کنند. آقای مدرّسی بحار را مسلّط است. کتاب اربعه را هم مسلّط است. رجال را هم مسلّط است. شما باید یک گفتمان مشترک پیدا کنید که عقلایی باشد. هم ما قبول داشته باشیم و هم او. و ما با هم بتوانیم تفاهم داشته باشیم. صحبت بکنیم و این روش است که به ما انسجام می‌دهد. به ما هم‌بستگی می‌دهد و باعث می‌شود این خانواده ما تقویت بشود. یعنی اینگونه کارگاه‌ها مثل این می‌ماند که شما هر شب با خانواده‌تان با همدیگر بنشینید صحبت کنید. بنابراین توجّه داشته باشید به خانواده تاریخ. زمانی که من در اینجا مدیر گروه بودم، سعی می‌کردم که گروه تاریخ از انزوا خارج بشود. الان بعضی از گروه‌های تاریخ در حالت انزوا هستند. و فقط هم، متن می‌خوانند و روش نمی‌دانند. حالا مباحث اختصاصی روش را من بعداً عرض خواهم کرد.

بعضی از گروه‌های تاریخ در قم هستند که همه چیزشان خود بسنده است. استاد، متن، و ... از خودشان است. از لیسانس شروع می‌کنند و بعد از بین خودشان ارشد و بعد دکتری می‌گیرند. اما اینها به گونه‌ای هستند که اگر چند دقیقه‌ای بیایند بیرون و فضای دیگری را تجربه کنند به راحتی فرو می‌ریزند. الان دوستان ما در مدرسه امام و یا جاهای دیگر، اگر یک سال هم بروند نزد آنها هیچ تفاوتی نمی‌کنند. بلکه منتقد هم خواهند شد. اما اگر یکی از آن افراد را یک ماه بدهید مثلاً دست آقای الله اکبری، چه خواهد شد؟ با دو سه سوال اساسی فرو خواهد ریخت! بنابراین اینها (روش شناسی) کمک می‌کند به شرطی که خود ما هم کار بکنیم.

نکته مهم این است که این کارگاه ما کارگاه روشی است و محتوایی نیست. محتوا را باید خودتان تامین کنید. اگر از قسمت محتوا ضعیف هستید انتظار تقویّت نداشته باشید. مثلاً در برخی از کارگاه‌ها شرکت می‌کردم و مثلاً می‌گفتم سلجوقیان. طرف با تعجّب می‌پرسید: سلجوقیان چیست؟! و من با احترام می‌گفتم سلجوقیان اسم یک سلسله است. ببینید من شاخص تعیین می‌کنم. شاخص ما کتاب‌های آقای جعفریان از قبل از اسلام تا عصر حاضر است. جناب استاد جعفریان خدمت زیادی به تاریخ داشته است. و حق به گردن تاریخ دارد. و خوشبختانه ایشان متعلّق به حوزه است و مایه افتخار برای حوزه. کتاب‌های ایشان از عصر جاهلیّت هست تا فردا. یعنی پیش بینی آینده هم دارد. البته معرفّی کتاب‌های ایشان به این معنی نیست که ایشان هر مطلبی را هر جا گفت من تأیید بکنم. الان فقط می‌گویم کتاب‌های ایشان برای مطالعات تاریخی مناسب است. مثلاً اگر بخواهید یک دوره منبع شناسی بخوانید کتاب منابع تاریخی اسلام ایشان مناسب است. یک خصوصیت جناب آقای جعفریان این است که کتاب‌هایش را به روز رسانی می‌کند. مثلاً خود من حوصله ندارم نوشته‌های چاپ شده خودم را از اوّل بخوانم. اما ایشان کتاب‌های خودش را مطالعه و به روز رسانی می‌کند.

یک نکته را در اینجا عرض کنم. ما نیاز به یک انبوه خوانی تاریخی داریم. انبوه خوانی یعنی اینکه روزنامه وار بخوانید و دنبال فهم و بحث نباشید.

بحث دیگر اینکه برخی از شرکت کنندگان در این کارگاه در دیگر کلاس‌های بنده حضور داشتند. ممکن است برخی از مباحث تکراری باشد. ما ناچار به تکرار هستیم چون برخی از افراد خارج از مجموعه ما هستند و ما در خدمت‌شان نبودیم. و ممکن است کمتر از سی در صد مباحث تکراری باشد.

و همچنین بحث‌ها باید منظم و دقیق پیش برود و هم این طور مثل یک ساختمان آجر به آجر مستحکم پیش برویم. نکته دیگر اینکه ممکن است در طول کارگاه من به مناسبت بحث از تاریخ مثال بزنم. اگر تا آن موقع این مطالعات را انجام داده باشید بحث را متوجه خواهید شد و مشکلی نیست. اما اگر احیانا مشکلی در مثال داشتید سریع بگوئید مثال عوض شود و در مثال شبهه نداشته باشید و متوقف نشوید.

اما بحث تکالیف: درباره روش یک کتاب معرفی می‌کنم. احیانا اگر تاکنون نخواندید شروع کنید به خواندن. شما باید با روش و روش‌ها آشنا شوید. و اینکه چگونه روش‌ها شناخته می‌شوند. کسی می‌داند چه کتابی را معرفی می‌کنم؟ (حاضر: روش شناسی آقای دکتر پاکتچی؟) خیر. کتاب آقای پاکتچی کتاب خوبی است ولی پر از اصطلاحات هست و ما نمی‌خواهیم گرفتار اصطلاحات شویم.

کتابی را که معرفی می‌کنیم «روش شناسی مطالعات دینی آقای فرامرز قرا ملک» است. خصوصا قسمت‌های تاریخی این کتاب را با دقت بخوانید. و تکلیف بعدی: دو واژه را من انتظار دارم شما پیدا کنید. روش و روش شناسی. در عنوان این کارگاه کلمه مهارتی را هم داریم. کلمه مهارتی با پژوهش قابل جمع نیست. باید ادامه‌اش نوشته شود، معرفتی. چون اینجا کار پژوهشی انجام نمی‌دهیم. در واقع یک سری روش را معرفی می‌کنیم. و محتوا را هم خودتان تامین کنید. و کسانی هم که به لحاظ محتوای تاریخی مشکل دارند خودشان باید مطالعه کنند.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

پایان مطلب /

پیاده سازی صوتی از: هادی طاهری.